



نویسنده: جیوو سومیرالد (Jeo Sommerlad)

منبع و تاریخ نشر: اند بیند ینت «2018-06-25».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

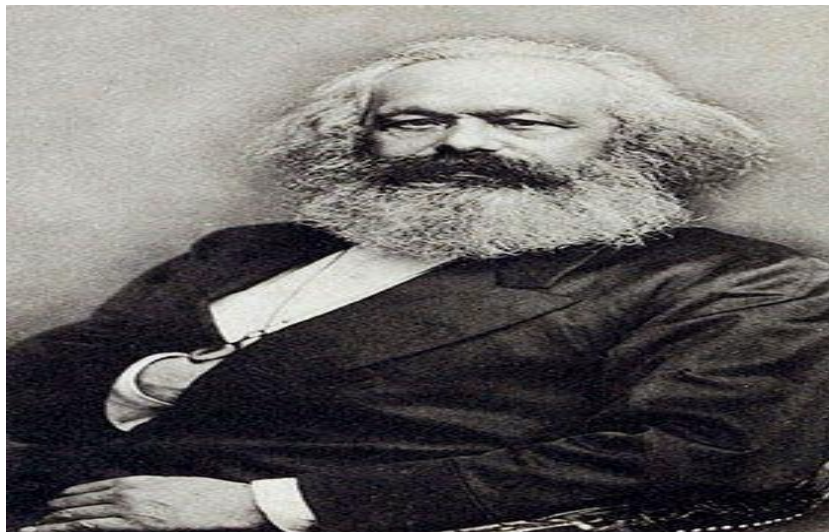
[73]

کارل مارکس در 200 سالگی: ده نویسنده چپ‌گرا که راه یک قوی هیکل را دنبال کردند.

Karl Marx at 200: Ten left-wing writers who followed in the footsteps of a giant

در حالی که دویستین سالگرد این متفکر سیاسی ارجمند را جشن می‌گیرند، به برگزیده‌ای از نویسندگانی نگاه می‌کنیم که در داستان‌های خود با اهداف و ایده‌های سوسیالیستی پرداخته‌اند.

As the revered political thinker marks his bicentenary, we look back at a selection of authors who addressed socialist causes and ideas in their fiction



کارل مارکس

امروز دویستمین سالگرد کارل مارکس (1818-1818) است که در سراسر جهان جشن گرفته می‌شود.

پس چه زمانی بهتر برای کاوش آن نسخه نوجوان کتک خورده {بیشتر مورد استفاده قرار گرفته شده} ما نیفتست کمونیست (1848) و هرسه جلد ناله دار (بیان شده) سرمایه (1867 - 1838) است.

اگر مقیاس آن تعهد ترسناک به نظر می رسد ، نترسید . در اینجا گزیده‌ای از نویسندگان چپ‌گرا وجود دارد که پس از فیلسوف سیاسی، از داستان به عنوان وسیله‌ای قابل هضم‌تر برای رساندن ایده‌های سوسیالیستی به عموم خوانندگان استفاده کردند.

امیل زولا (1840-1902)

مجموعه 20 جلدی رمان‌نویس بزرگ فرانسوی «Les Rougon-Macquart» به دنبال آن بود که تمام جنبه‌های جامعه معاصر را به شیوه‌ای از **آنوره دو بالزاک** ، *La Comedie Humaine* (1829-1847) در بر بگیرد.

سکانس (یاتوالی) رمان **پانورامای زولا** شامل داستان‌های هیجان‌انگیز اما طبیعت‌گرایانه از زندگی کاری همه افراد، از روسپی گرفته تا راننده‌های قطار و سرمایه‌داران متقلب در آناری مانند **نانا** (1880) ، *La Bete Humaine* (1890) و *L'Argent* (1891) بود.



جرارد دوپاردیو در نقش توسن ماهو در فیلم رمان زولا اثر کلود بری در سال 1993 (مجموعه موویستور/رکس/شاتر استوک

کمتر کتابی می‌تواند پیش‌بینی‌تر از ژرمینال (1885) باشد، روایت او از معدن‌چیان زغال‌سنگ که زیر نور لامپ در شهر خیالی **مونتسو** در شمال کار می‌کنند و شرایطی را که رنج می‌برند - با عواقب فاجعه‌بار - به خطر می‌اندازند .

این رمان همان روح دلسوزی را به تصویر می‌کشد که **ونسان ون گوگ** جوان وقتی شاهد زندگی بی‌رحمانه آن انتخاب‌های نوسانی در **بوریناژ**، **بلژیک** بود، احساس می‌کرد و وحشت تلخ تونل‌ها را با جزئیات ژورنالیستی و ژورنالیستی نشان می‌داد .

چارلز دیکنز هنگام بازدید از پرستون با راه آهن در سال 1854، گزارش مشابهی را انجام داده بود و گزارشی از اقدامات صنعتی که در مقاله «در اعتصاب» خود مشاهده کرده بود، که الهام بخش

روزهای سخت همان سال بود، انجام داده بود بر مورد علاقه معاصر به حقوق کارگران که در داستان های داستانی نیز توسط **الیزابت گاسکل** در **مری پارتون** (1848) مطرح شده است .

به رسمیت شناختن **ژرمینال** و خدمات عمومی آن به گونه ای بود که عنوان آن توسط عزاداران در مراسم تشییع جنازه **امیل زولا** در سال 1902 خوانده شد .

اچ جی ولنز (1866-1946)

هربرت جورج ولنز که در **بروملی، کنت**، پسر یک کریکت بازمغازه دار و خدمتکار یک خانم به دنیا آمد، کار اولیه خود را به عنوان شاگرد پارچه فروشی رها کرد تا به عنوان شاگرد-معلم در **ووکینگهام**، و سپس در **میهرست، ساسکس** غربی خدمت کند .

ولنز با برنده شدن یک بورس تحصیلی برای تحصیل زیست شناسی در دانشکده علوم عادی **کنزینگتون جنوبی** زیر نظر **TH Huxley**، دوست و قهرمان **چارلز داروین**، خود را متعهد به راه دانش پژوهی و بحث کرد و مجذوب پتانسیل علم برای ایجاد جهانی عادلانه تر - و محتاط بود. از ظرفیت آن برای سوء استفاده، تاریخ بشر را به عنوان "مسابقه بین آموزش و فاجعه" توصیف می کند.

او امروزه بیشتر به خاطر وصله ارغوانی به یاد می آید که باعث شد او رمان های علمی تخیلی مهم «ماشین زمان» (1895)، جزیره دکتر مورو (1896)، مرد نامرئی (1897) و جنگ جهان ها (1898) را بنویسد .

ولنز به امیدها و ترس های خود برای آینده جامعه در هر دو طرف جنگ جهانی اول در پیش بینی ها (1902) و شکل چیزها می آیند (1933) و حمایتش از زن جدید در آثاری مانند آن **ورونیکا** (1909) و جدید اشاره کرد **ماکیاولی** (1911) به گفته مارگارت اتوود، زن پلنگ دکتر مورنو، پتانسیل وحشتناک زن مدرن را نشان می دهد .

ولنز که یکی از مدافعان اولیه جنبش حق رأی بود، همچنین به «عشق آزاد» معتقد بود و به زنانگی شهرت داشت که همسالانش در انجمن فابیان را رسوا کرد .



ولنز در مطالعه خود (گتی)

این پیامبر آینده - که از جوانی اصول سوسیالیستی را تبلیغ می کرد، در سال های 1922 و 1923 به عنوان کا ندیدای حزب کارگر ایستاد و **بالنین** و **استالین** در کرملین ملاقات کرد - به دنبال معرفی وحشیانه جنگ مکانیزه در ایران، به طور فزاینده ای نسبت به چشم انداز اتوپیا بد بین شد. در سال 1914، از **وایت هال** خواست تا «دپارتمان آینده نگری» را برای نگاه کردن به دنیای فردا معرفی کند.

او به این باور رسید که تنها یک دولت جهانی می‌تواند ما را از درگیری‌های جهانی بیشتر و قربانی شدن مردانی مانند **گریفین** در مرد نامرئی نجات دهد .

عنوان کار پایانی او، ذهن در پایان پیوند خود (1945) همه چیز را بیان می‌کرد، اما با این حال **برتراند راسل** از این بینا به عنوان «آزادکننده مهم اندیشه و عمل» ستایش کرد.

رابرت ترسل (1870-1911)

یکی از محبوب ترین رمان‌های سوسیالیستی، نیکوکاران شلوار پاره‌پوش در سال 1914 منتشر شد، سه سال پس از مرگ نویسنده آن - نام واقعی **رابرت نونان**، یک نویسنده ناشناخته نویسی . این کتاب شجاعانه با طبقه کارگر مواجه می‌شود که خود را به سهمیه ناعادلانه‌شان تسلیم می‌کنند، و می‌پذیرند که ثروت و آسایش «برای امثال آنها نیست» تا برای اربابان فاسدشان منفعت ایجاد کنند .

این رمان که در شهر خیالی **ماگنبرو** اتفاق می‌افتد، به سیستم سرمایه داری حمله می‌کند که اجازه می‌دهد استثمار، اختلاس و ریاکاری به قیمت یک معامله عادلانه برای کارگران رونق بگیرد . **نونان** در سن 41 سالگی بر اثر سل درگذشت، جاه طلبی‌اش برای انتشار دست نوشته 1600 صفحه‌ای‌اش بی‌پاسخ و در قبر یک فقیر در **لیورپول** به خاک سپرده شد. تنها با تلاش دخترش **کاتلین**، این رویا پس از مرگ محقق شد .

جورج اورول در سال 1946 در مجله منچستر ایونینگ نیوز، کتاب نیکوکاران شلوار پاره‌پاره را مرور کرد و آن را به خاطر ثبت جزئیات واقعی کار بیدی و چیزهای کوچکی که برای هر فردی که در موقعیت مناسبی قرار دارد تقریباً غیرقابل تصور است که وقتی درآمد یک فرد به زیر حد معین کاهش می‌یابد غیرقابل تصور است تحسین کرد. مرحله " .

زمانی که **رادیو بی‌بی‌سی 4** در اوج سقوط مالی در سال 2009 نمایشنامه‌سازی جدیدی را پخش کرد که کاملاً با خلق و خوی عمومی خشمگین که جنبش تسخیر را به وجود آورد، این کتاب دوباره مورد توجه قرار گرفت .

تنها تر هرمن لیورپول یک محصول تنا تری جدید را در سال بعد روی صحنه برد.

آپتون سینکлер (1878-1968)

آپتون سینکлер متولد **بالتیمور** در طول یک حرفه طولانی تقریباً 100 کتاب نوشت و از پرداختن به موضوعات اصلی مانند روزنامه نگاری زرد استثمارگرانه در **چک برنجی** (1919) و گانگسترسم سوخت‌های فسیلی در نفت نترسید (1927)؛ پایه‌ای برای «خون خواهد بود» اثر **پل توماس اندرسون** (2007).

اما این یکی از اولین کارهای او بود که تاثیرگذارترین او را ثابت کرد (1906) *The Jungle* . از مهاجر لیتوانیایی **Jurgis Rudkus** می‌گوید که به آمریکا می‌رسد و در کشتارگاه‌های انبارهای شیکاگو کار می‌کند، طعمه افراد بی‌وجدان می‌شود، مجبور می‌شود در مسکن‌های فقیر نشین زندگی کند و بدهی جمع کند در حالی که شرایط کاری ناامن و غیربهداشتی را تحمل می‌کند

یورگیس در نهایت در برادری یک اتحادیه کارگری حمایت می‌کند، اما نه قبل از اینکه همسرش او را مورد تجاوز قرار گرفته و به فحشا و اعتیاد به مرفین کشیده شود و پسرش توسط موش‌ها خورده شود. معادل ادبی نقاشی ترسناک **جورج بلوز**، لاشه گاو (1925)، **جک لندن** جنگل را «کلبه بردگی مزدی عمو تام» نامید.



کارگرانی که گرازها را با دست در خانه بسته بندی گوشت سوئیفت و شرکت در شیکاگو می‌برند (گرنجر/رکس/شاتراستوک)

رمان سینکлер پس از انتشار آن چنان اعتراضی را برانگیخت که کنگره به سرعت هر دو قانون غذا و داروی خالص و قانون بازرسی گوشت را تصویب کرد تا شرایط را برای کارگران صنعت بسته بندی گوشت آمریکا بهبود بخشد. همچنین این یک بحث داغ درباره رفتار آمریکا با مهاجران است، که اینگونه استنباط می‌کند که تازه واردان به جزیره الیس پردازش می‌شوند، با دستمزدهای ناچیز مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند و در زمانی که دیگر نیازی به آن‌ها وجود ندارد، مانند گاو زیادی دور ریخته می‌شوند.

جان اشتاین بک (1902-1968)

نویسنده بزرگ آمریکایی یک مستند ساز پرکار در زادگاهش کالیفرنیا بود و در رمان‌هایی مانند **تورتیلا فلت (1935)**، **موش‌ها و آدم‌ها (1937)**، **ردیف کنسرو (1945)** و **شرق عدن** درباره زندگی کارگران دوره گرد و مهاجران مکزیکی نوشت (1952).، ثبت امیدها و رویاهای آنها، سختی‌هایی که متحمل شدند و میراثی که پشت سر گذاشتند.



جان اشتاین بک (گتی) گتی ایماژ

دستاورد **اشتاین بک** که هنوز به طور گسترده خوانده می‌شود، بدون شک «انگورهای خشم» (1939) است که برای آن جا یزه پولیتزر را دریافت کرد. قهرمان آن، تام جواد، یک مزرعه دار اوکلاهام است که به همراه خانواده‌اش و هزاران نفر دیگر به دلیل مشکلات اقتصادی از کاسه گرد و غبار بیرون رانده شده‌اند تا به دنبال زندگی جدیدی در سرزمین موعود در ساحل غربی باشند.

نقطه قوت رمان - که توسط **جان فورد** در سال 1940 با بازی هنری فوندا در نقش **جواد** فیلمبرداری شد - در همدردی عمیق آن با شخصیت های طبقه کارگر آن و خشم نسبت به اهانتی است که توسط " حرامزاده های حریص" که مسئول رساندن آمریکا به آن هستند، به آنها تحمیل شده است. زانوها در طول سقوط وال استریت در سال 1929.

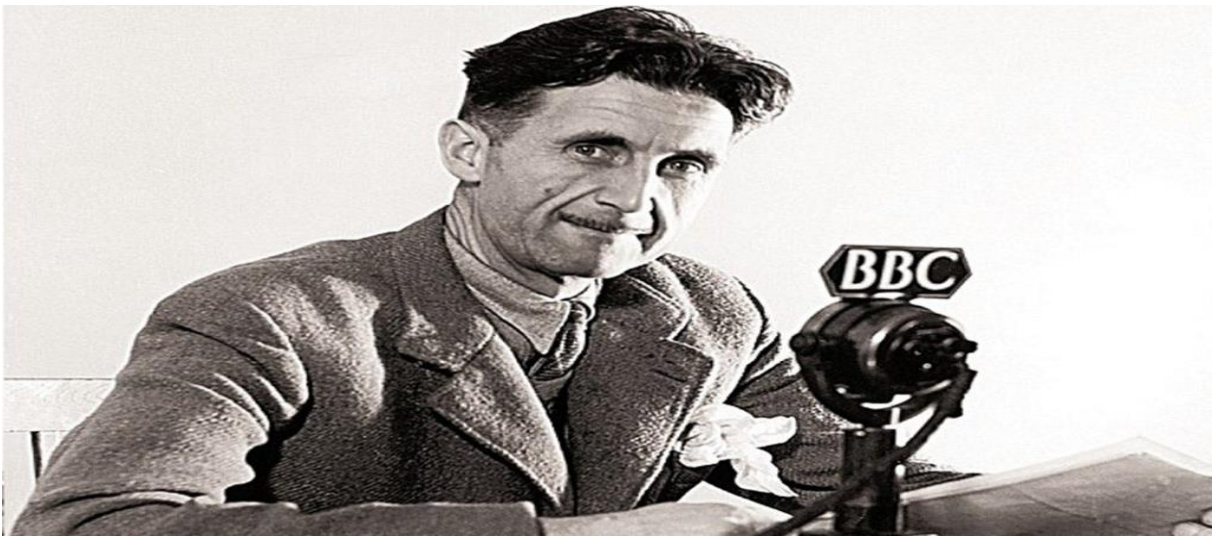
تروبادور فولک، **وودی گاتری**، یکی از هموطنان «اوکی» با شعار پروتو پانک « این ماشین فاشیست ها را می‌کشد» که بر روی گیتارش نقش بسته بود، از نزدیک با کتاب آشنا شد و در سال 1940 هم آهنگی درباره جواد نوشت و هم آلبومی به نام *Dust Bowl Ballads* **باب دیلن**، بروس اسپرینگستین، بیلی براگ و بسیاری دیگر همگی از او الگو گرفتند و اعتراض مردمی را علیه مسائلی بی عدالتی اجتماعی به جریان اصلی رساندند.

جورج اورول (1903-1950)

مزرعه حیوانات جورج اورول (1945)

و نوزده هشتاد و چهار (1949) شش دهه پس از انتشار اولیه، پرخواننده ترین کتاب های چپ در جهان باقی مانده اند.

این هشدارهای پس از جنگ علیه تمامیت خواهی همچنان طنین انداز می‌شود، زیرا نگرانی هایی که نویسنده در مورد تبلیغات و نظارت دولتی به عنوان مکانیسم های کنترلی مطرح کرد، متأسفانه تنها با پیشرفت در فناوری دیجیتال و گذر زمان مناسب تر شده است.



اورول در حال پخش در بی بی سی «بی بی سی»

صفتی است که اخیراً مرتباً برای انتقاد از تلاش دونالد ترامپ برای بی اعتبار کردن رسانه های منتقد با عبارات اخبار جعلی استفاده می‌شود مشاور او **کلین کانوی** حتی به «حقایق جایگزین» نزدیک تر است - در حالی که همه سکه های او را می‌دانند «بزرگ»، «برادر»، «پلیس فکر»، «دواندیشه» و «اتاق

«علاوه بر کاساندرای دیستوپیا، اورول در آثاری مانند *Down and Out in Paris and London* (1933) و *The Road to Wigan Pier* (1937) ناظر متفکر فقیر شهری و بیکاری بود و از «نفرت خود از ظلم» صحبت کرد. دومی، شور و شوقی که او را برای جنگ داخلی اسپانیا داوطلب کرد تا با فاشیست های فرانکو مخالفت کند.

یچارد لیلین (1906-1983)

ما نند اشنا ین بک، رمان نویس؛ ولزی که از آثار جان فورد بشکل اقتباسی بهره برد، کارگردان غربی که در سال 1941 از کتاب دره یا وادی من چقدر سبز بود لولین در سال 1939 فیلمبرداری کرد و زمانی که بهترین فیلم از زیر بینی شهروند کین اورسن ولز را از آن خود کرد، جایگاه خود را بالا برد، اکنون به طور معمول به عنوان بهترین فیلم تمام دوران انتخاب می شود.



(جان فورد دره من چقدر سبز بود) مجموعه Moviestore/Rex/Shutterstock

آن رمان زندگی معدنچیان زغال سنگ در دره های ولز جنوبی را به تصویر می کشید، و به طور تکان دهنده ای با نوستالژی راوی برای دوران کودکی ویکتوریایی از آشپزی و سرودهای خانگی، فقر ملایم و عشق اول در میان نرگس ها، با خطر وحشتناک زندگی در زیر زمین تضاد می کرد. که او را با زولا متحد می کند.

ساعتی بعد از ساعت تعریق، دو برابر خم شده، صاف ایستاده بودیم، فقط وقتی صاف روی پشتمان بودیم، آنجا کار می کردیم، با غبار زغال روی ما نشسته بود، با لمس ملایمی که می توانی آن را حس کنی، انگار که زغال انگشت ها را می گذارد به شما هشدار می دهد که او اکنون فقط شما را احساس می کند، اما یک روز به زودی که شما به سمت دیگری نگاه می کردید، شما را آنجا پایین، زیر خود خواهد داشت

پل رابسون، خواننده بزرگ آمریکایی فولک، "سامسون آواز" و پرچمدار بین المللی سوسیالیسم، موضوع معدنچیان زغال سنگ ولز را به قلب خود جلب کرد و در یک فیلم بریتانیایی که وضعیت

اسفناک آنها را در سال 1940 بررسی می کرد، "دره مغرور" ظاهر شد. کمپین برای شرایط کار ایمن تر و دستمزد عادلانه تر از صاحبان گودال .

مضامین *How Green Was My Valley* نیز در سراسر اقیانوس اطلس در مزارع زغال سنگ آپالاشیا طنین انداز می شود، جایی که مرل تراویس خواننده کانتاکی در حال نوشتن ترانه هایی مانند *Dark as the Dungeon* و *Sixteen Tons* بود، قصیده هایی برای مردان کارگری که در کارهای سیاه کار می کردند.

دالتون ترامبو (1905-1976)

یک فیلمنامه نویس بسیار پرکار که به خاطر پر زرق و برق شخصی اش شناخته می شود، حرفه **ترامبو** زمانی مشخص شد که او و دیگر اعضای «ده هالیوود» توسط سناتور جوزف مک کارتی به دلیل همدردی های کمونیستی خود تحت تعقیب قرار گرفتند .

شکار جادوگرانی که در اوج پارانوئیی "ترس سرخ" در جنگ سرد انجام شد، **ترامبو** و چند تن از همکارانش در لیست سیاه قرار گرفتند تا از نفوذ ادعایی چپ به سیستم استودیو جلوگیری کنند . از قضا، این بدان معنا بود که او بیشتر به دلیل نیاز مالی می نوشت و مجموعه ای از نام های مستعار را برای ساختن فیلم ها از روی فیلمنامه هایش انتخاب می کرد.



رک داگلاس در فیلم اسپار تاکوس با فیلمنامه دالتون ترامبو اثر استنلی کوبریک (براینا/یونیورسال/کوبال/رکس/شاتراستاک) رکس

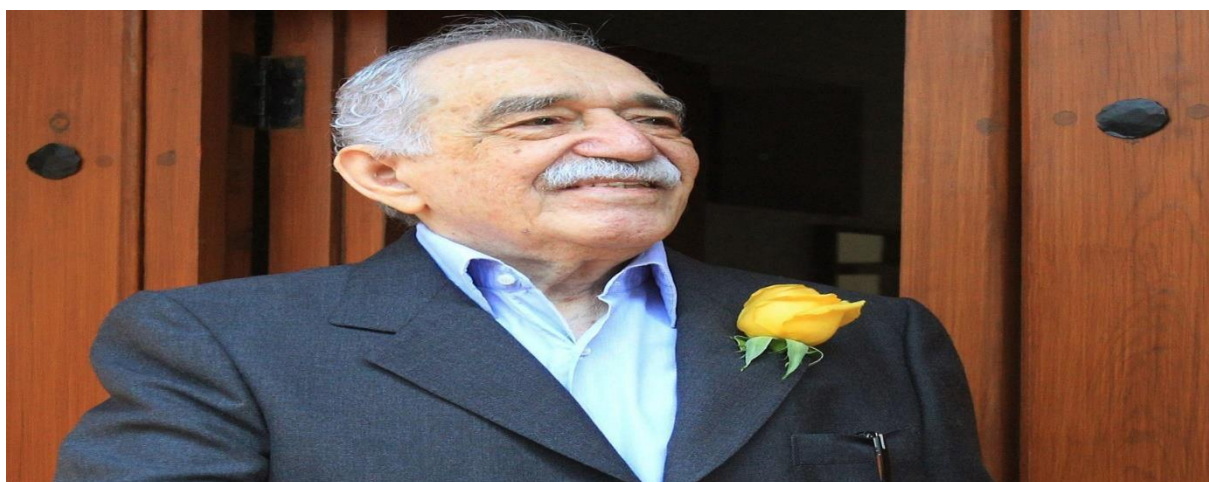
(نام او با اصرار ستاره کرک داگلاس، فیلمی بر اساس رمان ها *وارد فاست* (او نیز به کمیته فعالیت های غیر آمریکایی مجلس نمایندگان آمریکا کشیده شد) در مورد برده ای که در مقابل آن می ایستد، به تیتراژ آغا زین اسپار تاکوس (1960) **استنلی کوبریک** بازگشت . قدرت امپراتوری روم - تمثیل کامل **داوود و جالوت** برای فرد در مقابل سیستم .

ترامبو اگر نگوییم همه کاره نبود، صلح طلبی خود را در جنگ جهانی دوم کنار گذاشت و سی ثانیه بر فراز توکیو (1944) نوشت، در تعطیلات رومی (1953) و شجاع (1956) مشارکت داشت و کتاب خروج اتو پر مینگر (1960) را نوشت . حماسه در مورد تأسیس اسرائیل

او همچنین یک رمان نویس تحسین برانگیز بود و اثر رئالیستی اجتماعی کسوف (۱۹۳۵) را در دوران رکود بزرگ - بر اساس دوران جوانی اش در میان باغ‌های میوه گراند جانکشن، کلرادو - و رمان ویرانگر ضد جنگ جانی اسلحه‌اش (۱۹۳۹) را نوشت.

گابریل گارسیا مارکز (1927-2014)

نویسنده کلمبیا بی «صد سال تنهایی» (1967) و «عشق در زمان وبا» (1985)، یکی از برجسته ترین آثار فرهنگ آمریکای لاتین، ابداع رئالیسم جادویی است، اما پروازهای خیالی او همیشه مبتنی بر تجربیات روزمره بود و تأکید می‌کند که واقعیت "ماده ای به سختی خوب" بود.



(گابریل گارسیا مارکز: بهترین همسران با کاسترو) ماریو گوزمان /EPA/ رکز)

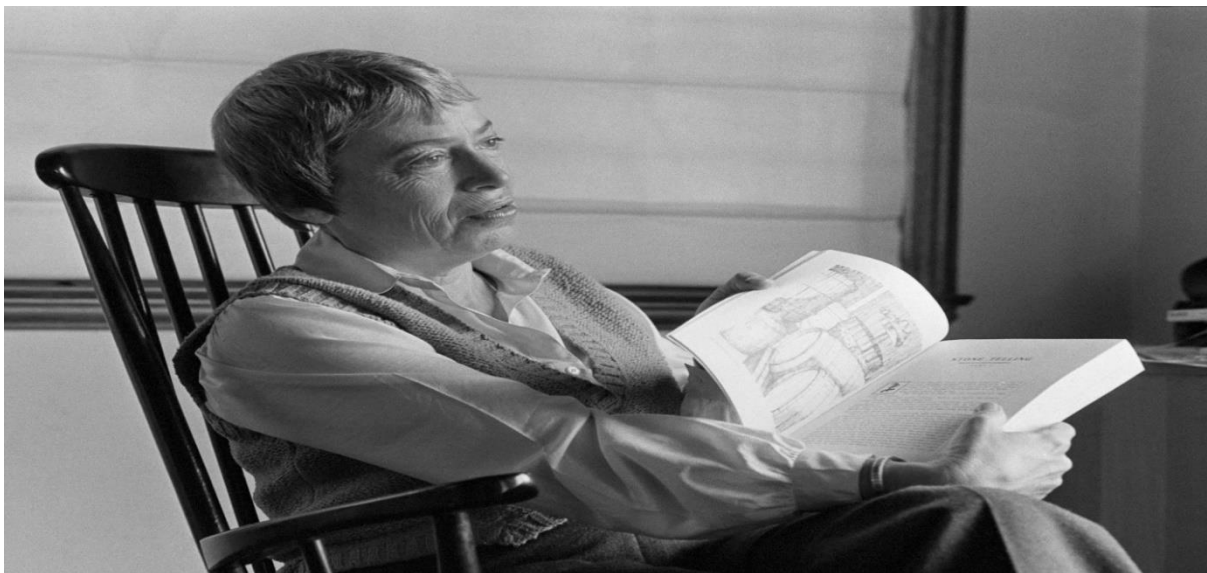
برنده جایزه نوبل - روزنامه نگاری سابق در بوگوتا و ونزوئلا که به خاطر گزارش‌هایش در جریان شورش‌های وحشیانه «لا ویولنسیا» بین سال‌های 1948 و 1958 شهرت داشت - از شهرت بین‌المللی خود برای محکوم کردن دیکتاتورهای راست گرا استفاده کرد و به منتقد صریح آگوستو، رئیس‌جمهور قدرتمند شیلی تبدیل شد

پینوشه مارکز همچنین دوست صمیمی و حامی سرسخت رهبر **کوبا**، فیدل کاسترو بود، این زوج بر سر غذاهای دریایی و ادبیات با هم پیوند داشتند.

اورسولا کی لوگین (1929-2018)

این نویسنده تخیلی علمی تخیلی و دوستدار محیط زیست، که در ژانویه امسال درگذشت، بسیار پرکار بود، اما بیشتر برای سریال‌های فانتزی دریای زمین (1968-2001) و چپ دست تاریکی (1969)، محرومان (1974) و The Dispossessed شناخته شده است. کلمه برای جهان جنگل است. (1976)

و **لوگین** که به آنارشیسم، هماهنگی کیهانی تائوئیسم و کلیات اصلی که بشریت را متحد می‌کند، علاقه مند بود، درک دوتایی از جنسیت را رد کرد و دهه‌ها قبل از اینکه جریان اصلی به لطف تلاش‌های فعالان دگرباش جنسی پلاس درگیر شود، جنسیت را به عنوان یک طیف می‌دید.



پیش از زمان خود، اورسولا کی لو گوین، واقعاً یک نیروی طبیعت است گتی

« پادشاه باردار بود » جمله‌ای چهار کلمه‌ای است که در سال 1969 خوانندگان را شگفت‌زده کرد و به طرز درخشانی شیوه‌ای رک و چالشانگیز او را نشان می‌دهد. اصل اصلی **لو گین** در نوشتن این بود که هر چیزی ممکن است در سال‌های آینده اتفاق بیفتد زیرا آینده نانوشته است. رژیم‌ها می‌توانند سقوط کنند، ارتدکس‌های قدیمی فرو می‌ریزند. همه چیز ناپایدار است - ایده‌ای که به طور همزمان نشاط آور و وحشتناک است.

او با نوشتن پیشگفتار مجموعه مقالات **موری بوکچین**، انقلاب بعدی در سال 2015، در سن 86 سالگی، نسبت به آینده چپ بین‌المللی ابراز خوش بینی کرد: «

جوانان، افرادی که این جامعه آشکارا به آنها تغییرات کوتاهی می‌دهد و به آنها خیانت می‌کند، به دنبال تفکری هوشمندانه، واقع‌بینانه و بلند مدت هستند: نه یک ایدئولوژی بدخواهانه دیگر، بلکه یک فرضیه کاری عملی، روشی برای اینکه چگونه کنترل بر جایی که می‌رویم را به دست آوریم. دستیابی به این کنترل مستلزم انقلابی به همان اندازه قدرتمند است که جامعه را به عنوان یک کل عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد، به اندازه نیرویی که می‌خواهد مها ر کند.

سطری چند در مورد نویسنده :

و سامرلاد نویسنده اختصاصی مخاطب ایندپندنت است که در توضیح طیف گسترده‌ای از موضوعات مرتبط با چرخه اخبار بین‌المللی، به ویژه سیاست و فرهنگ آمریکا تخصص دارد. او در سال 2016 پس از فارغ‌التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد در روزنامه نگاری، به کار در یک استارت‌آپ خبر و به عنوان ویرایشگر صفحه اصلی برای مایکروسافت انگلستان، به این سایت پیوست. او تاریخ ۲۱ قسمتی از دولت دونالد ترامپ را برای Independent Premium نوشت.

----- **با تقدیم احترامات** «2023-04-29»